اعداد تنازل تحت ما

و بر زانوی بیمار سر را در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامه بگوید و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس سه مرتبه بخواند و بگوید اعیذک بکلمات الله و بقدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و بجاه
الله و بجمیع الله و برسول الله و عترته صلی الله علیه و علیهم و بولایة امیر المؤمنین من شر ما اخاف و احذر و اشهد
ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم
اشف بشفائک و داو بدوائک و عافه من بلائک احکام بیمار در ایام ماه در روز اول تا نود بخیزد
دویم برخیزد و راحت یابد روز سیم سخت بود روز چهارم صحت یابد روز پنجم بیمار بود بحاجت مصدق
روز ششم صحت یابد بعون ایزدی روز هفتم بعد از هفت روز به شود و خرم گردد روز هشتم بعد از ده روز
برخیزد روز نهم زود صحت یابد بفضل الهی روز دهم زود صحت یابد و برخیزد روز یازدهم زود صحت یابد
با راحت تمام روز دوازدهم زود برخیزد روز سیزدهم سخت بود و کشنده تصدق ضرور است روز چهاردهم
زود صحت یابد روز پانزدهم بعد از بیست روز برخیزد روز شانزدهم سخت بوده و کشنده و نحوست دارد
و خوف کند و وقت بدهد و وصیت کند البته روز هیجدهم بعد از ده روز به شود و امید نجات دارد
برخیزد و راحت یابد و خرم شود روز نوزدهم شفا یابد روز بیستم زود برخیزد روز بیست یکم بدبود
و بیم هلاکت دارد روز بیست دوم صحت یابد و خوش دل شود روز بیست سوم بعد از سیزده به سوی روز به چهار
بغایت بد بود و نحوست بسیار دارد روز بیست چهارم بسیار بد بود روز بیست پنجم برخیزد و راحت یابد
روز بیست ششم برخیزد و راحت یابد روز بیست هفتم بعد از سه روز به شود و روز بیست هشتم زود صحت یابد
و خوشدل شود روز بیست نهم زود برخیزد و صحت یابد احکام بیمار از ایام هفته نام بیمار و نام مادر او را بحساب
جمل حساب کند و سه سه طرح کند و باز پرسد که در چه روز بیمار شده است اگر یکی بماند به شود و دو بماند
بیماریش طول کشد و سه بماند بمیرد و اگر دوشنبه بیمار شده است اگر سه بماند به شود و اگر یکی بماند
به شود و بیماریش بطول کشد و اگر روز سه شنبه بیمار شده است اگر یکی بماند بطول انجامد و اگر دو
بماند بمیرد و اگر سه بماند به شود و اگر چهارشنبه بیمار شده است اگر یکی بماند به شود و اگر دو بماند بیماریش
بطول کشد و اگر سه بماند بمیرد و اگر روز پنجشنبه بیمار شده است اگر یکی بماند به شود و اگر سه بماند
بیماریش بطول کشد و اگر یک بماند بمیرد و اگر روز جمعه بیمار شده است اگر سه بماند به شود و اگر یکی
بماند بطول انجامد و اگر دو بماند بمیرد **ضابطه** ایضا در معرفت حیات و ممات چون خواهی که
بیمار به شود یا نه نام او را بحساب جمل بشمار که تا چند است و از ایام هفته بنگر در آن روزی که بیمار شده
است عدد آن را بحساب جمل شمرده بر عدد اسم بیمار بیفزا مجموع را سه سه طرح کن بعد از طرح آنچه

در احکام غالب و مغلوب

بماند در حساب و تمام بنگر و احوال غالب در حیات و ممات او نیز بدین طریق حساب میشود و بروایت دیگر نیز
عدد روز بیمار را داخل کن و بشمار پس اگر یک و سه و هفت و چهار ماند و هفت و نوزده و بیست و سه و بیست
هشت بماند بیمار بر شود و غایب نده است و بیاید و اگر پنج یا نه یا پانزده یا بیست چهار یا بیست و پنج بماند
بیمار بمیرد و غایب بسلامت مراجعت نماید و اگر شش یا چهار یا هشت یا ده یا دوازده یا هیجده یا بیست
یا بیست پنج یا بیست شش یا سی بماند بطول انجامد و بتصدق و توبه و استغفار بیمار بر شود و غایب
احتمال سلامتی و مراجعت هست **فصل چهارم** در احکام غالب و مغلوب که حکیم ارسطاطالیس در
ذی القرنین برای او وضع کرده و بعضی ارسطو را پیغمبر میدانند چون اسکندر لشکر بجانب دشمن
فرستاد و با پادشاهی داوری و منازعه داشت اسم او را حساب میکرد با خصم و غلبه و ظفر را از آن شخص
کرد پس هرگاه محاربه در میان دو قوم یا دو نفر یا دو لشکر باشد یا با یکدیگر مناظره و جدال داشته باشد
یا خواهند نزد حکام روند باید که اسم هر یک از آن خصمان جداگانه با بجد جمل حساب کنند و نه طرح کنند
و آنچه از اسم طرفین بماند بدایره بشعری که بعد از این تحریر نظر میباید نظر نموده حکم غالب و مغلوب
خود و خصم خود را از آنجا استنباط کند و سزاوار آنست که در اسم ابراهیم و اسحق و هرون در اسم و ضم
ننماید و القاب و کنیات و صفات و تعریف را حساب نکنند و اسم مرکب که در میان عجم متعارفست مثل
محمد علی و محمد حسین حساب نکنند و بعضی بر آنند که آقا را در اسم ولد که هرگاه دو روز مولود گذاشته
باشند و تعریفات مثل آقا حسین و آقا ملک و آقا بابک و آقا خان و چنگیز خان و غازان خان حساب کنند و هر
چند آقا و خان تعریف باید حساب کرد و هر غالب و مغلوب که از دو زائم تا خان یافته همین حساب درست
آید و دلیل بر این قصه داود و جالوت است از داود شش و از جالوت هشت و شش غالبست بر هشت
و از موسی شش و از اسم فرعون یک و شش بر یک غالبست و اسم پیغمبر یکو خان دو میماند و از اسم المعتصم
بالله که از آخر بنی عباس بود چهار میماند و غالبست بر چهار و این حساب را وضع نموده اند الا بر اصل
از خواص و طبایع که اول از منجمین و بقیه اعوان حکمت و اصل این علم اسمایست و در نزد ائمه معصومین
است و جایز نیست در این علم نظر کردن الا در وقت طلوع شمس تا وقت زوال و تمام احکام در این باب
جست در فرز زوج نصرت از اعدا کثر است و در مختلف شوند ظفر از آن کثر است مطلوب غالب است
اگر زوج مستویست در فرد مستویست چه طالب مضطر است با حریف جنگ بودن بر است
و مخالف برست **الواحد** یک با نه یکغالبست یک با هشت هشت غالبست
یک با هفت یکغالبست یک با شش شش غالبست یک با چهار چهار غالبست یک با پنج یک غالبست

بکسر

قاعدهٔ استخارات

باسه یک غالب است یک با دو دو غالب است یک با یک طالب غالب است **الثانیه** دو و نه
غالب است دو و هشت دو غالب است دو و هفت هفت غالب است دو و شش دو غالب است دو و پنج پنج غالب
دو و چهار دو غالب است دو و سه سه غالب است دو و دو مطلوب غالب است دو و یک یک غالب است
الثالثه سه و نه سه غالب است سه و هشت هشت غالب است سه و هفت سه غالب است سه و شش
شش غالب است سه و پنج سه غالب است سه و چهار چهار غالب است سه و سه طالب غالب است سه و دو غالب
است سه و یک یک غالب است **الرابعه** چهار و نه نه غالب است چهار و هشت چهار غالب است چهار و هفت
هفت غالب است چهار و شش چهار غالب است چهار و پنج پنج غالب است چهار و چهار چهار غالب است چهار و سه چهار
غالب است چهار و دو غالب است چهار و یک چهار غالب است **الخامسه** پنج و نه پنج غالب است پنج و هشت هشت
غالب است پنج و هفت پنج غالب است پنج و شش شش غالب است پنج و پنج طالب غالب است پنج و چهار پنج غالب است پنج
و سه غالب است پنج و دو پنج غالب است پنج و یک یک غالب است **السادسه** شش و نه نه غالب است شش و هشت
شش غالب است شش و هفت غالب است شش و شش مطلوب غالب است شش و پنج شش غالب است و شش و چهار
چهار غالب است شش و سه شش غالب است شش و دو غالب است شش و یک شش غالب است **السابعه**
هفت و نه هفت غالب است هفت و هشت هشت غالب است هفت و هفت طالب غالب است هفت و شش هفت غالب
است هفت و پنج پنج غالب است هفت و چهار هفت غالب است هفت و سه غالب است هفت و دو غالب است هفت
و یک یک غالب است **الثامنه** هشت و نه نه غالب است هشت و هشت مطلوب غالب است هفت و هشت غالب
هشت و شش شش غالب است هشت و پنج هشت غالب است هشت و چهار چهار غالب است هشت و سه هشت غالب
هشت و دو غالب است هشت و یک هشت غالب است **التاسعه** نه و نه طالب غالب است نه و هشت هشت
غالب است نه و هفت هفت غالب است نه و شش نه غالب است نه و پنج پنج غالب است نه و چهار نه غالب است نه و سه
غالب است نه و دو نه غالب است نه و یک یک غالب است **فصل پنجم** در بیان استخاره و ساعات آن
حضرت امام جعفر صادق ع منقول است در بیان استخاره ساعات استخاره روز شنبه از طلوع آفتاب تا چاشت
است روز یکشنبه از صبح است تا ظهر و از عصر تا مغرب روز دوشنبه از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب پس
از چاشت تا عصر روز سه شنبه از چاشت تا ظهر پس از عصر است تا عشا روز چهارشنبه از صبح است تا زوال
بعد از آن از عصر است تا عشا روز پنجشنبه از صبح تا طلوع آفتاب و از چاشت تا عصر و از مغرب تا
عشا روز جمعه از صبح تا طلوع آفتاب و از چاشت تا عصر و از مغرب تا عشا **طریقه** دیگر از حضرت
امام رضا منقول است که روز شنبه نیک است تا چاشت آنکه بد بود تا زوال روز یکشنبه بد بود تا پس آنکه

نیک بود تا شام روز دوشنبه نیک بود تا پیشین آنکه بد بود تا پسین آنکه نیک بود تا شام آنکه بد
بود تا خفتن روز سه شنبه نیک بود تا آفتاب برآمدن آنکه بود تا چاشت آنکه نیک بود تا پیشین
آنکه بد بود تا پسین آنکه نیک بود تا خفتن روز چهارشنبه نیک بود تا زوال آنکه بد بود تا پسین آنکه نیک
بود تا خفتن روز پنجشنبه نیک بود تا آفتاب برآمدن آنکه بد بود تا چاشت آنکه نیک بود تا خفتن روز آدینه
نیک بود تا آفتاب برآمدن آنکه بد بود تا چاشت آنکه نیک بود تا پسین آنکه بد بود تا شام آنکه نیک بود
تا خفتن **استخاره** بمصطفی طاوس که روایت کرده است که کسی که خواهد که استخاره از قرآن بکند
پس باید که آیة الکرسی را و هو العلی العظیم بخواند و آیه هنده مفاتح الغیب تا آخر بخواند پس ده مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید اللهم انی توکلت علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون و تحت
المکنون المخزون فی غیبک یا ارحم الراحمین اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل حتی اجتنبه یا
کریم پس بگشاید مصحف را و بشمارد جمله آیه را در صفحه است بشمارد اورا و بشمارد سطرها از صفحه دست چپ
بعدد ورق پس آنچه بماند بعد از شمردن سطرها بمنزله وحی است و آنرا عمل کند و در مصباح کفعمی مذکور است
که این استخاره در موضع خود ذکر کرده است که بعضی دیگر از استخاره قرآن آنست که مصحف مجید را بگشاید و نظر
کند بآنچه در اول آنست آنرا عمل کند **استخاره** ذات الرقاع مرویست از حضرت صادق که هرگاه اراده
کند امری را پس بنویسد رقعه بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم من فلان بن فلان و بعد
از آن لا تفعل بنویسد پس بگذارد این شش رقعه را در زیر جای نماز خود پس بگذارد دو رکعت نماز کند چون
فارغ شود بسجده کند و صد مرتبه در سجده بگوید استخیر الله اللهم برحمتک خیرة فی عافیة پس بنشیند و بگوید اللهم
خر لی و اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس بزند دست خود را و رقعه را از زیر بیاورد و
یکی یکی را اگر سه رقعه بی هم افعل بیاید بکن و اگر سه رقعه بیرون آید لا تفعل مکن و اگر یکی بیرون آید که
بکن و اگر یکی بیرون آید که مکن پنج رقعه را بیرون آورد و نظر کن که کدام بیشتر است از امر و نهی عمل باز بکن و یکی
را بگذارد و **استخاره** ابن بابویه از ائمه معصومین منقولست که هرگاه نیت کند کسی که استخاره کند از برای خلق
خود بنویسد رقعه لا و رقعه نعم و بگذارد این هر دو را در مهر کلی پاک و کلوخ کند پس بگذارد هر دو را در زیر
دامن خود و دو رکعت نماز بگذارد اللهم انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مستشیر فاشر علی
بما فیه صلاحی و حسن عاقبتی و بیرون آور یکی را و با عمل کن **استخاره** بغلب از حضرت امام رضا منقولست که
تعلیم علی بن اسباط فرمود که با استخاره و بیرون رفتن بحج و رفتن بسفر و سفر دریا و بحر پس او فرمود
که دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه استخیر الله بگو و نظر کن و ببین که در دل تو چه می افتد از رفتن و نرفتن و یکی

نعم

لا

و یکی را

ونکرت علما بان کن استخان مشیر علامه حلیه در مصنفا المنتهی ایاب استخاره منوبتها نمشرحه
الزمان که بخوان الحمد زاده مرتبه وقدر زاده مرتبه وبکو اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور واسئلک
الحسن قلبی لی ما هو الحمد در اللهم ان کان الامر الخلاق وتسمیه بما قد نطقت بالبرکة الغاره
دیوانه صفت بالکراهة ما هو لنا الیه فخرلی اللهم فیه خیرة ترد شموسه ذلوکا ایاه سوء را اللهم
امرنا امر وا اما هی فانهی فی عاقبة دیکر بیضه مسبحه واراده کن حاجت خود را وبشمار فاکا بسبح
بعضد جفت اکر طاق باشد بکن واکر جفت باشد مکن عرضه بیمرکب کتابه بزبان بالای مکتوب بنویسند
نهایت المرام اورده شود بسم الله ان الله وعد الصابرین الخرج تما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسب
جعلنا الله واما کم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون **فصل ششم** در احکام سکز
بوله وزاست زمانها ترکیب بدانکه این طریقه از قواعد نجومست وبچون در کتب معتبره منقد بیرون در باب
ذکر این ستاره واحکام ان شده بود لهذا این مختصر را نیز رساله ذکر نمود اکر احکام انرا مرعی دارند از اخبار
دقیقه واصد بود بدانکه حکما ترک مخطا وابغور واهل چین وشرق وتاتار ودشت قبچاق بر اینکه
دنغالیه ستاره ایست که بصورت شتر مست که انرا سکز بوله دنخوانند نحس است وبعضی کویند که هست ستاره
است که بتجربه ایشان مزاد خاصه صحرا نشینان وکوهها واهل دهاتین وبوادی وترکان خارزم وشت
قبچاق وخطا وختن والیزکوه ومسافرانند دنیاها واهل ایران وتوران غرض اینکه این ستاره در هر
روز از زمانها ترکی از جهتی از جهات عالم ستیار است تا دوم ماه عربی اول ماه ترکست واخر ماه ترکی
ماه عربیست میباید در روزی که ستاره در اطرف باشد نرود ولشکر ومسافر بلر خود را از طرف ان بکردانند
واز برابر ستاره نرانند تا از نحوسه او ایمن کردند وکشرانند اکر رو بروی مسافر باشد در وقت بیرون رفتن
از منزل البته کشته شود ومعرفت انرا سلطان الحکماء المتاخرین خواجه نصیر الدین محمد بن الحسن الطوسی
الشیعی الوزیر بانقرار داده تا حرکت ان ستاره معلوم شود بکر تا زدهم بیست بکرد در این روزها با افتاب
برابر بنا بر بنا بی بنا کنند که زود خراب شود وبیرد وانزدهم بیست وبیرد در این روزها بجانب شرق وجنوب
بود باز نصیحت نهانند که فرزند نا بینا میشود سیم بیزدهم بیست سیم در این روزها از جنوب بر ابر دو
زوال باب نروند که علتها بدید ناید وناید دران بمیرد چهارم وچهاردهم بیست چهارم در این روزها تا
مغرب وبجنوب بوده باشد جامه نو نپوشند که در انجا محبوس میکردند پنجم وپانزدهم بیست پنجم در این روزها
از مغرب در ناید بجامه نو بکردشتر شانزدهم بیست ششم در این روزها میانه مغرب وشمال بود اوزن
ودیعت کند اشکار شود هفتم هفدهم بیست هفتم در این روزها از شمال بر ابر زن شوهر نکند که جدایی

زنها

در میان ایشان بمرسد هشتم هجدهم بیت هشتم را نیز روز فا میان مشرق و شمال بود در ملوک
سلاطین زنند که خاطره عظیم بود هم نوزدهم بیت هشتم را نیز روز فا تحت الارض انتقال مرزند که
مکمل شود و خود البته کر شود یا کشر شود مگر آنکه حضرت کشف را از و بکردانند و هم بیتر سی آرد دایم
بوقفا فوق اتما باشد خصومت نباید کرد که مورد مفاسد عظیمست **فصل هفتم** در احوال
رجال الغیب هر روز از ماهها فرید کدام جهت میباشد بدانکه هفتم و چهاردهم و بیست هم در مشرق
هفتم و بیست یکم و شش میان مشرق و شمال شد بیست هفتم و چهارم و دوازدهم در مغرب بیست پنجم و دیگر
و هفدهم در میان مغرب و جنوب بند یکم بیست و هم بیست چهارم و نهم میان مشرق و جنوب اگر خواهند که
از ارواح ایشان استمداد نمایند باید که در هر روزی که باشند تست سیب بخند با نظر و بکویند
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و الصلوة علی رسول الله صلی الله علیه و سلم یا رجال الغیب سلمکم الله
یا ارواح المقدسه اجیبونی و اغیثونی بغوثکم و انظرونی بنظرکم و ارحمونی برحمته و حصلونی مقصودی
و قوموا علی حاجتی سلم الله فی الدنیا و الاخرة یا رغبا یا غیاثا یا ابدال یا اولیا یا اوتاد یا قطب یا غوث
اغیثونی بحرمة محمد المصطفی صلی الله علیه و آله السلام علیکم یا رجال الغیب یا ارواح المقدسه اغیثونی
بغوثکم بحرمة محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و پشت بجانب ایشان کند و بکوید اسلمت نفسی الیکم و فوضت
امری الیکم و التجات امری الیکم و پای راست را پیش نهد و هر کدام مدد بعد از فراغ از او زاد صبح روی بسوی جهة
که معلومست کند و بکوید السلام علیکم یا ارواح المقدسه اغیثونی بقوته و انظرونی بنظره آنکاه پشت بسوی
کند هم چنانکه کسی رو بچیزی کند و مثل بسوی کند و چنان بخواطر او رسد که استظهار بشماست مرا روانه کنید
و نام خود را برده حضرت ایشان را آورده کرداند و آن کار میسر کردد و از ایشان هر نوع مدد بوی شد و در نجات
از دشمن پشت بارواح مقدسه کنند و الا شکست خورد و اگر ممکن بشود از روز جنگ نکند تا خاطرش خوب
مطمئن شود چون بحدود سلاطین رود پشت بایشان کند که مکره و معزز بیرون تابد بدانکه احوال رجال
الغیب از احادیث ظاهر نمیشود که اشاره بان شده باشد و میان علمای شیعه شهرت ندارد و آنچه کاتب
است آنست که ارواح مقدسه حضرت ائمه و حضرت امام محمد مهدی و خضر و الیاس است لیکن جمعی از شیعه و غالبی
سنیها و اهل بزرگان ایشان و در تقویم منجمان رجال الغیب را اهل تصرف میکویند که بزرگان و مشایخ که
مرتبه قطب میشوند و مراتب اول قطب اوتاد و ابدال و نجبا و مدار دنیا بوجود ایشانست و در زمین
سیاره و چهل نفر میباشند هر کدام که مرند دیکری بجای او قطب میشود **فصل هشتم** در
اختلاجات و انتباهات از جستن اعضای ادمی بناکهان و کویند زیاده بر سه مرتبه هر کا[illegible]

در اختلاج اعضا و جوارح

واتبعلم متعلقست بذی القرنین که آدمیرا از خیر و شر و نفع و ضرر آگاه میگرداند بتجربه و استبه
هرگاه بفال بد و خوب با خود قرار دهد انکه در واقع جنس اعضا این خاصیت دارد یا اعضای
شعور آدمی او را آگاه میگرداند بلکه این مراتب لطافت میان سر که بجهت غنیمت یابد پس عزیز
گردد پیش از سر از غم خلاص شود میان فرق غایب از و بکند در جانب سر خبر بد شنود جانب چپ
فراخ شود میان دو ابرو خرمی بو برسد گوشه راست خرمی بیند گوشه چپ غایب رسد بنا لچشم راست
از او سخنی نقل کنند بنا لچشم چپ ناله باو رسد پشت چشم راست غمناک گردد پشت چشم چپ او
ظرافت کند زیر چشم راست شادی بیند زیر چشم چپ خبری باو برسد ابرو راست خبر و برکت بیند
ابروی چپ جاوی زیاده شود جمله چشم راست خوشی بیند و صحت یابد جمله چشم چپ بوی نزاع کند جمله
سر بزرگی بیند جمله بیشانی عزت یابد شقیقه راست خویش وی نکبت رسد شقیقه چپ صحت جمله
بینی مال وافر یابد پره بینی مرض داده شود جانب راست بینی از کار معزول شود جانب چپ بینی بر مراد شاد گردد
تا وقت روی راست کار بکند تا وقت روی چپ مال و خرمی یابد خد راست مراد و صحت یابد خد چپ بیماری
اندک یابد زنخ راست بیماری سلیم یابد زنخ چپ رو سرکشد گوش راست سخنی از وی نقل کند و گوش
چپ غایب بوی برسد و بروایت دیگر نفع بوی برسد بهشتاد و دو جمله دهان با دوست مروت کند
جمله زبان از بیماری ایمن گردد بالا قول بفعل او رود لب زبر فتنه بر پیش وی آید گوشه لب راست خوشی
کند گوشه لب چپ از او سخن نقل کند جمله زنخدان مال یابد حلقوم راست از برادر نفع یابد حلقوم چپ
خرمی بیند جمله گردن شرف و غنیمت یابد دوش راست رفعت یابد دوش چپ درد کشد بازوی
راست خیر و خرمی بیند بازوی چپ شادی بیند مرفق راست عمل خیر کند مرفق چپ خرمی بیند ساعد
راست شادی بیند ساعد چپ فراخ روزی گردد کف راست خصومت کند کف چپ معیشت یابد انگشت
بزرگ چپ بزرگی رسد شهادت راست سخن از و نقل کند شهادت چپ خبر را فاش کند انگشت سبابه
راست در خصومت افتد انگشت سبابه چپ بر دشمن ظفر یابد انگشت چهارم راست روزی بو برسد
انگشت چهارم چپ [illegible] کند انگشت کوچک راست سخنی از و نقل کنند انگشت کوچک چپ مال بدست
آورد جمله دست راست حجت یابد جمله دست چپ توان کرد کف راست خلعت یابد کف چپ بمراد رسد
بندگاه دست راست خلعت یابد کف چپ بمراد رسد بندگاه دست راست استعمال وی زیاده شود بگذ
دست چپ حشمت یابد سر دوستی در کنار آید بر دل عمی رسد پهلو راست نقل و تحویل کند پهلوی چپ
دوست یابد کرنگاه چپ عمی رسد ش جانب راست کار بنکو کند جانب پشت چپ رفعت یابد بنا دل ملاک

در شکیات و سجدهٔ سهو

واگر زن باشد شوهر کند میان ناف و نهار منفصل بدقیقه فرج بر آورد شد خشد است زن حلال
کند خصه چپ جنان شود سرین راست غرق بوی رسد سر بر چپ نوازش بنشد نشستگاه راست
یا بدنشستگاه چپ طول کرد در ران راست سوار شود از چپ بخون بند جانب راست در ران
شود جانب ران چپ سوار کرد زانوی راست مقرب کرد زانوی چپ مقعد شود ساق راست را در بعد
ساق چپ حاصل وی برابر کف پای راست دست بغایب شود کف پای چپ از وی نظر کنند بند پای راست
سفر کند بند پای چپ مقرب کرد پشت پای راست خار شود پشت پای چپ سوار کرد جمله قدم راست
غم زایل کرد جمله قدم چپ غایب بدانکشت بزرگ پای راست تحت پا بدانکشت بزرگ پای چپ تواند
کرکرد. انکشت دوم پای راست حاکر کرد و انکشت دوم پای چپ غم و سختی بند انکشت میانه پای راست
مال وی زیاده شود انکشت میانه چپ بدستور انکشت چهارم پای راست خویش وی غایب شود انکشت
چهارم پای چپ پای راست بدو از سلطان نوازش بند جمله انکشتان پای راست سفر کند انکشتان پای چپ
غم و الم بند جمله اندام اندوه بوی رسد و اگر مکرر این اعضا بجهت مقدمه فالج و لقوه و سکته است مدام
نماید **فصل سهو** در بیان شک و سهو در نماز بیان احکام و احکام و ذکر سجده سهو است بدانکه
شک در نماز و وسوسه باطلست نماز در حال ایستادن پیش از رکوع باطلست و بعد از رکوع در اثنای
رکوع باطلست و بعد از رکوع و پیش از سجود باطلست و بعد از سجود صحیح است پس بنا بر سه بگذارد
تمام میکند مابقی را و تشهد گفته سلام میدهد و احتیاط بکرکعت نماز ایستاده میگذارد یا دو رکعت
نشسته **شک** در میان دو و چهار باطلست در حالت ایستاده پیش از رکوع و در اثنای رکوع و در
اثنای سجود و بعد از سجود صحیح است پس بنا بگذارد بر چهار تشهد گفته سلام دهد و احتیاط بکرکعت
نماز ایستاده بگذارد **شک** در میان سه و چهار صحیح در همه حال پس بنا بگذارد بر چهار تشهد گفته
سلام میدهد و احتیاط بکرکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند **شک** در میان دو و سه
و چهار باطلست در همه حالت مگر بعد از سجود که نماز صحیح پس بنا میگذارد بر چهار و سلام میدهد
و احتیاط دو رکعت نشسته و یکرکعت ایستاده میکند **شک** در میان دو و پنج در همه حالها باطلست نماز را
باید از سر گرفت **شک** در میان سه و پنج در حالت ایستاده پیش از رکوع صحیح است در اثنای رکوع و پیش
از رکوع و پیش از سجود و بعد از سجود باطلست پس بنا گذارد بر پنج و ایستادن را برهم زند و تشهد گفته
سلام دهد و احتیاط کند بدو رکعت ایستاده و دو سجده سهو کند **شک** در میان دو و سه و پنج
همه صور باطلست از سر بگیرد **شک** میان چهار و پنج صحیح است در صورت اول و آخر باطلست تا اگر قبل از

رکوع

فروتیت الهلال

یکرکعت باشد بنا کذارد بر پنج دوم زند ایستاده تا او تشهد کفته سلام دهد و احتیاط کند بیکرکعت ایستاده
تا دو رکعت نشسته و اکر بعد از سجود باشد بنا کذارد بر چهار و تشهد کفته سلام دهد و دو سجده سهو
بکند **شک** در نماز دو و چهار در صورت اول با طلست و صحت بعد از سجود بنا بر چهار کذارد و بر پنج
زند ایستادن تا او تشهد کفته سلام دهد و بیکرکعت ایستاده تا دو رکعت نشسته بکند و اکر بعد از
سجدتین بنا کذارد بر چهار و دو سجده بکند **شک** میان دو و سه و چهار و پنج در همه صور با طلست
الا بعد از سجده بنا کذاشته و تشهد کفته سلام دهد و احتیاط کند بدو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
و دو سجده بکند **شک** در شش و سه و شش در همه صور نماز ش با طلست الا بعد از سجده بنا بر چهار کذا
سلام بدهد و دو سجده سهو بکند بدانکه شک در نماز ها چهار کونه میباشد در نماز ها دو رکعتی و
در نماز صبح و شام مطلق با طلست باید از سر کیرد و ذکر سجده سهو بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد
و آله الطاهرین بلکه تشهد مختصر بخواند بسم کلام بدهد بسلام و سجده **فصل چهارم** در بیان
مرتبه از شهور اثنا عشر بزرکی آنچه مذکور میشود در روایت معتبر وارد شده است که ماه رجب
را در قرآن مجید ماه بزرکی دست خود باید بدانند **شعبان** بزرکی بزرکان و علما و سلما ماه رمضان
بزرکی اهل و عیال خود ماه **شوال** بزرکی زنه و آب روان ماه **ذیقعده** در آیینه و پشمینه
ذیحجه روی طفل با اهل ماه **محرم** در آب فیروزه ماه **صفر** در زر کودک با کنیز دست خود
ربیع الاول در آب ایستاده **ربیع الآخر** در آب روان **جمادی الاول** ماه نکر **جمادی الثانی**
در آسمان و زمین نکرد و در روایت بکر هرکاه محرم در حمل نو شود در آتش افروخته بیند با دو
سرخ و شمشیر برهنه و اینماه را بفتنه و بیمنت بیند و بر خود مبارک نکرداند و اینماه را شوم داند و حذر
کند از مردان و زنان فاحشه و مطلق در اینماه عیش و عشرت و تماشا و خنده بر طرف کند و صفات
صفر در ثور نو شود در زر صاحب دولتان و جواهرات و عقیق و جوانان نکرد و حذر کند از زیاد
سباع مانند بکاست **ربیع الاول** هرکاه در جوزا نو شود در روی غلام و زاهد نکرد یا در آب
روان یا در جواهرات بی مثل مرواید و مرجان و حذر کند از دیدن معیوب و نابینا و روی الغا مان و کردان
ربیع الآخر هرکاه در سرطان نو شود در آب روان نکرد یا در سبزه و جواهرات یا در عقیق
یمنی و حذر کند از مردم شهر و عمار **جمادی الاول** هرکاه در اسد نو شود در آسمان نکرد یا
در زیر پای نماد در آتش و سه نوبت بکوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و حذر کند از دیدن تارک
الصلوة و جب و بهر **جمادی الآخر** هرکاه در سنبله نو شود بر روی خران با کره خوش و نمر

فی مرویات اهلال

نکرد یا در سبزه یا در عقیق یعنی و در نجف و مدینه و کند اندیدن چیزها بنا و دود و خاکستر و دیگر بخور
هرگاه **رجب** در بیرون نه شود زاینده شانکرد و سه نوبت فاتحة الکتاب بخواند و سه دکند از بدی
نجاسات و مکروهات و کثافات و سلک سبا **شعبان** هرگاه در عقرب نه شود در روی موم نخو و سالخ
و خوش کفتار و با معنی مجید یا در دیگ بزرگان و اهل صلاح نکرد و مذکند از بدی مردم بد نفس و نحو
و اجلاف و شد خود هرگاه ماه **رمضان** در قوس نه شود در روی علما و سادات و ذوالسیم و جواهر
ابی نکرد و مذکند از بدی مردم ظالم و ملازم حکام بدذات و موزی و منافق و شریر و بدکردار و
هرگاه ماه **شوال** در جدی نه شود در زمین نکرد سه مرتبه بگوید وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ و مذکند از بدی
زنان سلیطه و فاحشه و فاجره و هرگاه در ماه **ذیقعده** در دلو نه شود در مسجد جامع و عالی
عالی نکرد و سه مرتبه رحمت بخواند و برخود دمد و مذکند از بدی مردم بدکردار و مرتبه کرد و هرگاه ماه
ذیحجه در حوت نه شود در مصحف نکرد یا در دیگ علما یا در اهل دفیر و زه و زبرجد و مروارید جواهر
ابی و مذکند از بدی جراحها **ضابطه** بدانکه در هر ماه از ماهها دوازده کانه باید که در روی
شومان و عالمان و صالحان نکرد و باید که در روی عقیق یعنی که در او جوانه کنده باشند و شکل ابله
کله داشته باشد ببیند یا در فیروزه و دعای صحیفه کامله حضرت سید الساجدین را بخواند و خواند فاتحه
هفتم تیر در بدی ماه اما نشاز در چشم و چون ماهرا دید بگرفت و بقبله بایستد و دعا بخواند
و بطریق تامل بخوی **محرم** در روی صدف مصقول نکرد **صفر** در کیاه و مروارید نکرد دیگر
ربیع الاول در روی اهل قلم نکرد **ربیع الآخر** در روی سبزه و جواهر نکرد **جمادی الاول**
در روی تشکاران **جمادی الآخر** در روی ساده رویان و جوانان
رجب در روی بزرگان **شعبان المعظم** در روی شاخ
رمضان المبارک در روی دهقانان **شوال المکرم** در روی ترکان
ذیقعده در ادعیه و صحیفه **ذیحجة الحرام** در روی قرآن مجید ببیند
خاتمه در دانستن غره هر ماه در روزهای عید و استفتاح تا روز قیامت انتقاعات
مجرات حضرت امام رضا باید آنچه از بحرث کذشته همزاد و بیست و ده طرح کند تنها آنچه بماند
در جدول اول طلب کند و انکاه در جدول دیگر که نامها شریف معصومان از آنها نوشته شده نام
را از بالای جدول و صفحه دوم طلب کند پس بر غره ماه و یکی بر نام باید کذاشت و کشید تا هر
بهمرسند آنکه غره ماه است والله یعلم بالصواب

جدول طرق الوطء على نزول القمر في البروج والاثني عشر

الحمل	الثور	الجوزاء	السرطان	الاسد	السنبلة	الميزان	العقرب	القوس	الجدي	الدلو	الحوت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول معرفت ائمه اثنی عشر تمام

الاسماء المبارکه	محمد صلی الله علیه	علی علیه السلام	فاطمه علیها السلام	الحسن علیه السلام	الحسین علیه السلام	سید العابدین	محمد الباقر
الکنی	ابو القاسم	ابو الحسن	ام ابیها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
الالقاب	المصطفی	المرتضی	الزهراء	الزکی	الشهید	الجواد	البرّ
تاریخ ولادت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ایام الولادة	الاثنین	الجمعة	الجمعة	الثلاث	الخمیس	الاحد	الاثنین
شهور الولادة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنین الولادة	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تاریخ وفات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسماء الوالدات	اسیه	[illegible]	[illegible]	فاطمة الزهراء	شهربانو	[illegible]
نقش نگین	الشهادتان	الملک لله الواحد القهار	افز الکلام	العزة	[illegible]	[illegible]
عدد الاولاد	حسن حسین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد الاعمار	ثلاث وستون	ثلاث وستون	عشرة ایام	ثمان وثلاثون	سبع وخمسون	سبع وستون
ایام الوفات	الاثنین	الاثنین	الاثنین	الخمیس	الاثنین	السبت	الاثنین
شهور الوفات		[illegible]	جمادی الثانی	سابع صفر	عاشر المحرم	ثانی عشر محرم	سابع ذی الحجة
سنین الوفات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
امکنة الوفات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسباب الوفات	[illegible]	[illegible]	فاسقطت جنینها	سم الشقاء	[illegible]	[illegible]	[illegible]
امکنة الدفن	مسجد الانور	[illegible]	فی الروضة	فی البقیع	فی کربلا	فی البقیع	فی البقیع
ملوک زمانهم	[illegible]	معاویة	یزید	معاویة	یزید	عبد الملک	عبد الملک
اسماء قبور	علی ابن ابیطالب	سلمان فارسی	اصحابه	بقیعه	الشهداء	ابو طالب	جابر الجعفی

عليهم صلوات الله الملك الاجل الاكبر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الكنية	ابو عبد الله	ابو ابراهيم	ابو الحسن	ابو جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
الالقاب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مكان الولادة	المدينة	ابو بكر	النبوة	النبوة	النبوة	النبوة	سر من رأى
تاريخ الولادة	الاثنين	الاحد	الخميس	الجمعة	الجمعة	الاثنين	الجمعة
شهر الولادة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شعبان
سنة الولادة	ثلاث وثمانين	ثمان وخمسين	ثمان وعشرين	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مدة الولادة	[illegible]	[illegible]	المنصور	محمد الامين	المأمون		المعتصم
اسماء الامهات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نقش خاتم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد الازواج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدد الاولاد	عشرة	ثلاثة	ثلاثة	اربعة	خمسة	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تاريخ الوفاة	الاثنين	الجمعة	الثلاثاء	الاثنين	الثلاثاء	الجمعة	الجمعة
شهر الوفاة	صفر	رمضان	رمضان	رجب	ذو الحجة	ربيع الاول	[illegible]
سنة الوفاة	ثمان وخمسين	ثلاث وثمانين	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
امكنة الوفاة	المدينة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الوفاة	مسموم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
امكنة القبور	في البقيع	مقابر قريش	[illegible]	مقابر قريش	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مدة الوفاة	المنصور	الرشيد	المأمون	المعتصم	المعتز	المعتمد	المعتمد
اسماء الوصي	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تعبیر خواب ملا محمد باقر مجلسی رحمه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین اما بعد چنین گوید اقل الخلق
محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع الائمة الاطهار وصلوات الله علیهم اجمعین بدانکه این چند کلمه ایست در
بیان معرفت تعبیر خواب آنچه از آیات و احادیث معتبره ظاهر میشود خواب زنان را اصلی نباشد مگر زنی که مومنه باشد
و پارسا و فضل دارد بر زنان دیگر که سلیقه و فاحشه باشند و خواب توانگر سخی را فضلی است بر خواب درویشان و بخیلان
زیرا که بروایت صحیحه از او روایت صادر میشود و بخیل خوبی نبود و خواب او بکار نیاید و جناب رسول صلی الله علیه وآله
فرموده است البخیل لا یدخل الجنة زیرا که همیشه اندوه غم نیاز بود خواب درویشان چندان اثر ندارد زیرا
که همیشه در غم و رنج بود و در غم فرزند و عیال و هر چه در بیداری بیند در خواب بیند و آنچه در خواب
بدید زود تاثیر میکند و آنچه خود دید دیر نتیجه میبخشد و خواب مراهق ضعیف بود زیرا که اندیشه او در
جماع است و طعام بسیار خوردن و خواب کودک کرا و قول بود بر آنکه دل او در اغبا نگرفته است و خوابش درست
باشد و آنچه دیده است زود تاثیر میکند و قول دیگر آنست که او را خود هم خواب او را اختیار نتوانکردن و کودک
مراهق خواب که بیند خیر و شر او بپایه و مادر او باشد اما بدا از خواب ایشان هیچ دانی اندارد اما خواب جنب
و مست و حایض و جنب بسیار درست بود دلیل میکند که صفیه خرج ابن اخطب که زن امیر خیبر بود
در خواب دید که آفتاب و ماه در کنار او افتاد بیدار شد بشوهر خود نقل کرد شوهرش طپانچه بر روی او زد چنانکه روی
کبود شد گفت لعنت بر تو باد اگر خواب تو را ابو محمد این قلعه را میگیرد و تو را باسیر برد و تو زن خود
روی نیم قلعه را گرفتند و صفیه را اسیر کردند بخدمت حضرت رسول آوردند آنحضرت فرمود که روی تو چرا کبود
گشته صفیه قصه خود را گفت پیغمبر فرمود تعبیرش همانست که تو خیال دیدی در آنست خواب دروغ بدانکه
همچنانکه مردمان مختلفند در طبایع و مزاج و احوال و بالاخره گفتن صحیح بیکدیگر نمیمانند و چند گروه خواب

غالب گردد و از خوردن دواها و گوشت و شراب و مانند آنها معبران چون او را بشب بینند و فرو
بودن و سرخ در خواب بیند و فربه بیند که آن خواب از زیادتی خوردن ظاهر اصلی ندارد و او را
تعبیر نکنند و دیگری که مرد دیگر را صفرا غالب شود از خوردن سیر و فلفل و پیاز و باقلا و عدس و آنچه مانند
اینها بخواب بیند مثل شمع مشعل و قندیل و آتش که رنگ او زرد و بیرون آید خواب اصلی ندارد و تعبیر
نکنند و دیگری که سودا غالب شود از خوردن چیزهای ترش و شور و گوشت شکار و بره و گاو و آنچه بدین ماند
در خواب سیاه و مکان تاریک بیند و چاه بیند که از چاه فرو افتاد چون معبران بیند سیاه و متفکر و متحیر با غم و
اندوه بیند که خواب از زیادتی سودا است هم اصلی ندارد و چهارم که روی بلغم او زیاده شده باشد از خوردن دوغ و غیره
و آنچه بدین ماند بخواب از دریاها و حوضها و آنچه از این نوع مثل برف و یخ و شیر و آب بیند معبران چون بانگ کنند
او را با غم و اندوه و تفکر بیند او هم از زیادتی بلغم است هم اصلی ندارد اما کسانیکه صاحب همت مثل عاشق
معشوق را در خواب بیند یا با کسی خصومت دارد خصم خویش را در خواب بیند یا عمل دارد مشتبه در خواب
بیند یا کسی غمی دارد و بخواب بیند که در میان آب است سر ما باید چون از خواب بیدار شود بیند که از جای بیرون
شده و بر هنه است هم اصلی ندارد یا کسی بیند که در حمام است و گرمی یابد بیدار شود جامه بر روی خود پوشیده
بیند که عرق کرده است هم اصلی ندارد اما باید نگاه داشت حرمت معبران در وقت سؤال تعبیر خواب چون سائل نزد
معبر آید سلام کند و بنشیند و خداوند عز و جل را یاد کند بر رسول خدا صلوات بفرستد بر ائمه طاهرین درود
گوید از خویش استعانت جوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید بعد از آن خواب خود را بی زیاده و نقصان معبر عرض کند اما
باید راست بگوید بی زیاده و نقصان تا بتواند دید در خبر است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اصدقوا کلامکم
و رؤیاکم یعنی راست بگو تا خواب تو راست باشد تعبیرش زود حاصل شود اما معبران بود که صبر و خرد و عقل
و تمیز بجا آورد تا سخن سائل تمام شود و بشنود همه سخنان او را و نام او پرسد و بیند اصحاب سلطان است
یا کسبه است یا عالم است یا جاهل یا متقی یا مفسد یا مؤمن یا فاسق یا بنده یا آزاد یا مجرد یا شهر است
یا خواب راست بیند است یا در غم است یا بوده است یا شاد و بوده است یا عاقل یا پاک بوده یا جنب
است چه خورده چون بر همه حال مطلع شد پس خواب او را تعبیر میکند چنانکه خواب راست بی زیاده و نقصان بکند
و خویش را سائل نگوید بلکه بگوید مسلمانم که با طهارت بخوابید در وقت خواب اندک خدا غافل نکرد و صلوات
بر پیغمبر بفرستد یا بدشمنان بگوید بر طرف راست پهلو بخوابد دست راست خود را بزیر رخسار راست گذارد و سوره
اخلاص و معوذتین و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل اللهم را بخواند و آیه قل انما انا بشر

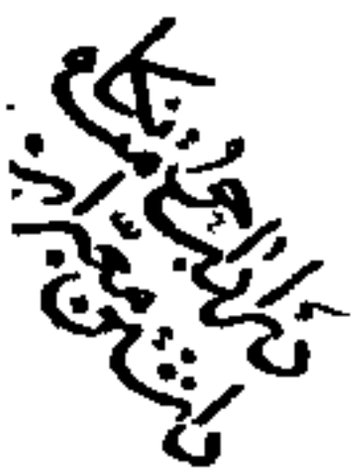

بخواند و استغفار کند بعد از آن این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم انی اسئلک العفو والعافیة والمعافاة فی الدین والدنیا
والآخرة اللهم انی توکلت علیک وتقلبت بکتابک واسلمت نفسی الیک تبارکت ربنا وتعالیت
انت الغنی ونحن الفقیر الیک استغفرک واتوب الیک ربنا ما دعوناک الیک اللهم انی اسئلک
یا الله ان ترینی فی منامی رؤیا صالحة غیر ضارة پس دست راست را بکشاید و رو بجانب قبله کند چون از
خواب بیدار شود ایزد تبارک و تعالی را یاد کند اگر خواب نیکو دیده باشد خدای تعالی را شکر کند و صدقه دهد
و اگر بد دیده است باز صدقه دهد پس بنزد معبر شود یا او را بنزد خود طلبد از خواب خود سوال کند بی زیاده
و نقصان تا معبر خواب تعبیر کند بدانکه چند کلمه از تعبیر خوابها بیان میشود از حدیث و اخبار در ضمن شصت باب
بیان میشود امید هست هر کس ازین رساله مستفیض شود مولف و کاتب را بطلب مغفرت و دعای خیر یاد شاد
فرمایند فهرست بابهای مذکوره اینست باب اول در بیان فضل سال و غیره باب دوم در بیان دانستن خواب
که بچند نوع است باب سیم در بیان در خواب دیدن فرشتگان و کروبیان و ملایک مقرب و بهشت و دوزخ
و عرش و کرسی و غیره باب چهارم در بیان دیدن آسمان و افتاب و ستارگان باب پنجم در بیان دیدن دریاها و رودها
و چشمها باب ششم در بیان دیدن روشنای شمع و چراغ باب هفتم در بیان دیدن سراها و عمارتها و حمام و غیره
باب هشتم در بیان دیدن مشک و عنبر و کافور و عطرها باب نهم در بیان دیدن مردان پیر و جوان و غلام و کنیز باب
دهم در بیان دیدن غسل و وضو و تیمم و دست و روشن باب یازدهم در بیان سر تراشیدن و ناخن و سبیل
گرفتن باب دوازدهم دیدن قفل و کلید و تخت و کرسی و غیره باب سیزدهم دیدن دیبا و دیگدان و شوی
و غیره باب چهاردهم دیدن مردمان برهنه و سباع و حشرات الارض باب پانزدهم دیدن کندن و خاک کردن
و سر تراشیدن باب شانزدهم دیدن گذاردن و بیسی و دیم و زرد آب و آبله باب هفدهم دیدن بول و غایط و آب
شدن و غیره باب هجدهم دیدن بلغ و سیز و درخت و مرغزار و غیره باب بیستم دیدن جواهر و سیم و زر
و درم و دینار باب بیست و یکم در بیان کفش و چکمه و عمامه و جوراب و غیره باب بیست و دوم دیدن تاج و حلقه
و گوشواره و انگشتر و غیره باب بیست و سیم در دیدن جامه و رنگهای او و جامه شستن باب بیست و چهارم دیدن
غل و زنجیر و پیچ و تاز یانه و سوزن باب بیست و پنجم در بیان تزویج و نکاح و کنار گرفتن و بوسه کردن
باب بیست و ششم در بیان سلاح و اسباب و کارد و خنجر و شمشیر باب بیست و هفتم در بیان آینه سلطان و سوگند
و غیره باب بیست و هشتم در بیان دیدن امراض مختلفه و شکستگی باب بیست و نهم دیدن بساط و شادروان و حجله و کودکی

فهرست ابواب این کتاب باین نقضیلست

در بیان

فی زدهم در بیان دیدن شهرستان بلخها و غیره باب بیستم در بیان شراب خوردن و شیرینیها و غیره

باب یکم در بیان دیدن نان پاره و کشتن و کردن زدن باب دوم در بیان ساز و طنبور و سنج و جنگ
باب سیم در بیان خرید و فروش و نرخ اشیا و غیره باب چهارم در بیان پیر و بجای شدن و جستن
باب پنجم در سخن گفتن با سباع و بهایم و غیره باب ششم در بیان گریختن و گریختن از دشمن و ترسیدن
باب هفتم در بیان دیدن قصاب و کشتن گوسفند باب هشتم در بیان دیدن گوسفند و میش و بز و موش
باب نهم در بیان اهو و خرگوش و گوره خر و غیره باب چهلم در بیان دیدن الاغ و گاو و گوساله و غیره
باب چهل و یکم در بیان فیل و جامیش و گرگدن باب چهل و دوم در بیان دیدن خرس و کلاغ و موش و گربه
باب چهل و سیم در بیان دیدن اژدها و سوسمار و عنکبوت و کژدم باب چهل و چهارم در بیان دیدن شیر و پلنگ و ببر و یوزپلنگ
باب چهل و پنجم در بیان دیدن کرگدن و دبا و شغال باب چهل و ششم در بیان مرغان و پر و پوست ایشان و غیره
باب چهل و هفتم در بیان مگس و مور و ملخ و پشه باب چهل و هشتم در بیان دیدن ماهی و نهنگ و کشف و سرطان
باب چهل و نهم در بیان دیدن ماران و لاک پشت و قچه باب پنجاهم در بیان دیدن دیو و پری و جادو و دیو
باب پنجاه و یکم در بیان دیدن صنایع و بازار و مثل آنکه و غیره باب پنجاه و دوم در بیان آنچه دلیل درازی عمر است
باب پنجاه و سیم در بیان دیدن صورت و نوشته و تزویج و عروسی باب پنجاه و چهارم در بیان شکر و ثنا و تسبیح و غیره دیدن
باب پنجاه و پنجم در بیان دیدن زلزله و کسوف و خسوف و نحو آنها باب پنجاه و ششم در بیان دیدن کبر و ترس و جهود و گلیسا
باب پنجاه و هفتم در بیان دیدن خانها و جاها و دامن و نشستها باب پنجاه و هشتم در بیان دیدن اسبان گوناگون و شتر و شیر
باب پنجاه و نهم در بیان امیر و بزرگ و سرهنگ و سلاح باب شصتم در بیان دیدن غواص و غیره باب اول

در بیان فصل و سال بدانکه خواب در وقت برآمدن آفتاب نرسد تا تمام آفتاب فرو نشود و در وقت فریضه
گذاردن نرسد تا تمام بگذارند و در وقت زوال نرسد تا زوال بگذرد و با دیوانه و مسخره و جاهل و دشمن
خود آنها باید گفتن کقوله تعالی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیدا اگر خواب که دیده باشد و از آن
خواب بترسد سه بار قل هو الله احد بخواند و بر دست چپ خود دمد و بگوید یا رب قوی و توانا من ناتوانم و تو دانا
من عاجزم و تو بر همه چیز قادری اگر خواب من نیکست تو نیکی او را بمن روزی کن و از زیان او را بگردان
گردان دانستن خواب باشد از دروغ در اول کتاب باید گردیم که اصل خواب از چهار نوع بیرون نبود که اند
شورش طبع که از اصلی نباشد نباید تعبیر کردن آن خواب از همت بود چنان بود چون چیزی در دل داشته باشد
و همه روز آنرا اندیشه کند آنگاه در شب خواب بیند یا گرسنه طعام در خواب بیند آنها همه اصل است دیگر آنکه
دل مشغول ندارد بچیزی و طبع او پاک باشد و چون بخسبد بخواند آنچه که در اول کتاب یاد کردیم خواب که

و غیره

و دیدن عبادات

فصل و سال

نیک بود اگر

راست بود اول سال بهتر است از آخر بهار و آخر شب بهتر است از اول شب که زود تاثیر کند اگر در اول روز
بیند بهتر است از آخر روز هر کس خوابش پادشاه تر است خوابش راست تر است زود اثر باشد باب دویم
در دانستن خواب که بچند نوع است و چه طور باید تعبیر کردن بدانکه خواب مسلمان بهتر است از خواب
یهود است و خواب عالم بهتر از خواب جاهل است و خواب مرد بهتر از خواب زن صالح بهتر از متهم است و خواب
خواص بهتر از خواب عوام است و خواب فقیه بهتر از خواب اهل بازار و خواب آزاد بهتر از خواب بنده است
و خواب هشیار بهتر از خواب مست و خواب اصحاب سلطان بهتر از نادر است یکی محمد بن سیرین را گفتند در
خواب بانگ نماز میگفتم گفت خدای تعالی ترا حج روزی میکند و دیگری همین خواب را دید از و پرسید گفت
ترا بدزدی میگیرند گفتند چون است که یک خواب را دو تعبیر مختلف کردی گفت تعبیر را بحال سائل باید کرد یکی
صالح و متقی بود بحج تعبیر کردم چنانکه حق تعالی فرموده است که وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ و آنکه شبیه مفسدان
بود تعبیر چنان کردم چنانکه حق تعالی فرمود که فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ و شاگردان نگاه
داشتند آن مرد و تعبیر را در سبب افتاد چنانکه معبر گفته بود بیزیاده و نقصان باب سیم در بیان دیدن
خواب فرشتگان و کروبیان و پیغمبران و ملایکه مقربین و بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و صراط و غیره اگر کسی فرشتگان
را در خواب بیند رحمت و نعمت بود از آن ده و چه است فرشتگان امینان خدایند عدل و لاند در جهان عدل
و انصاف و راحت و فرح و ارزانی نرخها و مال و جلال و فرزند و بخت روزی شود اگر کسی حور العین در خواب
بیند مال و عز و فرزند و امرزش از گناهان قوله تعالی الذین یحملون العرش الخ و اگر کسی جبرئیل را در خواب بیند مراد دل
خود برسد کارهایش بروز بالا گیرد و بر بزرگی برسد و علم آموزد قوله تعالی علمه شدید القوی اگر کسی میکائیل
را در خواب بیند اگر درویش باشد غنی گردد در آن سال رحمت پروردگار شامل حال مردمان گردد و باران
بسیار آید و اگر کسی اسرافیل را در خواب بیند عمرش دراز شود اگر بیند که صور میدمد عدل گسترده شود و
آن شهر پرهیزکاران قوت گیرند و فاسقان ذلیل شود و مردمان پرهیزگار راغب شوند اگر کسی عزرائیل را بیند
مرگش نزدیک شود و توبه باید کرد و اگر خشم الوده بیند مرگش بدشواری و بی توبه بود و اگر دید که او جان
او را میستاند و زندگانی او بخوشی میگذرد اگر بیند که بر وی سلام کرد درد و جهان ایمن گردد در بهشت بود
قوله تعالی وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي و در جای دیگر میفرماید سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین اگر کسی فرشتگان
بیند تعبیرش رحمت بود اگر بیند که فرشتگان از آسمان نزول میکنند کافران را ذلت و هزیمت بود و اهل
اسلام را نصرت و عزت و غنیمت بود قوله تعالی و ممدکم بخمسة آلاف من الملائکة مسومین اگر کسی رضوان

در خواب بیند در آن سال راحت و ایمنی و شادی باشد اگر کسی پیغمبر را در خواب بیند از آدم و حوا رحمت و نعمت
و عزت و شرف و دولت و ظفر و سعادت و ریاست و قوت و راحت یابد اگر کسی رسول خدا را در خواب
بیند آنکس در دو جهان عزیز گردد و کاری میکند که مستوجب بهشت میگردد و لیکن بر چیزی مبتلا گردد و لیکن
بسبب آن مراد خود را دریابد از جانب خدا در آن خانه و محله و در آن شهر که او را در خواب بیند آن ولایت و اهل آن
بلد باصلاح در آیند و مومن و پارسا گردند آنچه خدایتعالی فرموده بجا آورند از شریعت و احکام اگر غمگین بود شادمان گردد
اگر عبد باشد آزاد شود و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر در دل مطلبی و مرادی دارد بزودی بمطلب میرسد
و اگر غریب باشد بخانه رود و اگر قرضدار است قرض او ادا میشود و اگر بیمار است شفا یابد و اگر کافر باشد مسلمان
شود و اگر فاسق باشد توبه اش قبول شود و اگر سلطان بیند ولایت او معمور و زیاده شود و اگر کهتر بیند مهتر باشد
و مردم آن ولایت از کفار بمان توبه کنند و پشیمان شوند و اگر نعوذ بالله باصلاح نیایند بلا بر ایشان نازل شود
قوله تعالی وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ اگر رسول خدا را شاد بیند دلیل نیکویی بود و اگر او را غضبناک
بیند نعوذ بالله در آنجا فساد میشود و او را از آن کدورت برسد زود توبه کند و صدقه باید داد تا بخشم خدا مستحق نگردد
زیرا که هر یک از رسول خدا و پیغمبران و فرشتگان را در خواب بیند خواب او راست باشد که شیاطین بصورت
ائمه و اولیا و اوصیا و فرشتگان متمثل نتوانند شد و اگر کسی آدم را در خواب بیند دانیال فرموده است که
آنحضرت را در خواب دیدن تعبیرش آنست که آنکس مهتر و بزرگ قوم گردد و قوله تعالی إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ
خَلِيفَةً اگر کسی هابیل را در خواب بیند مومن و مقدس و با ورع گردد اما ستمکش و مصیبت زده میگردد
قوله تعالی وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ اگر کسی شیث را در خواب بیند حیا او را علم و زهد و حکمت و فرزند بسیار
و عمر دراز و برخوردار کرامت فرماید اگر کسی نوح را در خواب بیند عمرش دراز و شاد گردد و لیکن بر رنج افتد
قوله تعالی إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا اگر کسی بر کشتی نشیند دلیل بر نفع است اگر کسی ادریس را در خواب بیند رفعت
و برکت یابد اگر کسی ابرهیم را در خواب بیند قضای حاجت یابد و بر کار خیر راغب گردد و حج کند قوله تعالی وَأَذِّنْ فِي
النَّاسِ بِالْحَجِّ اگر کسی اسمعیل را بخواب بیند صاحب خیر باشد شاید مسجد بسازد و اگر کسی اسحق را در خواب بیند
در بیم هلاک افتد اما زود خلاص شود اگر کسی هود را در خواب بیند دشمن قوی بر وی مسلط گردد پس بر ایشان
ظفر یابد از ایشان برهد قوله تعالی مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ اگر کسی صالح را در خواب بیند اندوه افتد و در آخر او
ظفر یابد و دشمن را هلاک کند اگر کسی یعقوب را در خواب بیند خدایتعالی فرزند بسیار او کرامت فرماید قوله
تعالی وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ اگر کسی یوسف را در خواب بیند خدایتعالی فرزند بسیار او کرامت فرماید

باب ذکر خدا

باب ذکر رسول

باب ذکر آدم

باب ذکر شیث

باب ذکر نوح

باب ذکر ادریس

باب ذکر ابرهیم

باب ذکر اسمعیل

باب ذکر اسحق

باب ذکر یعقوب

باب ذکر یوسف

ورزوی نصرت ابند و با نسب در درج افتد لغز الامر از آن بر مدد دولت و عزت یابد شاید از علم خواجه چیزی تحصیل کند
اگر کسی ذکریا را در خواب بیند فرزند خصلتی بروی کرامت فرماید دعایش مستجاب شود قوله تعالی وزکریا اذ
نادی ربه اگر کسی یحیی را در خواب بیند پرهیزکار شود با ورع و معصوم گردد از آفات کنا ایمن شود قوله
لم نجعل له من قبل سمیا اگر کسی شعیب را در خواب بیند او را با کسی معامله افتد زیان کند قوله تعالی واوفوا
الکیال والمیزان اگر کسی یونس را در خواب بیند او در کار خود شتاب کند و در حبس و تنگی افتد خدایتعالی
او را بخاطر مدار بسیار دعا و زاری کند قوله تعالی وذا النون اذ ذهب مغاضبا اگر کسی ایوب را در خواب
بیند بدرد مبتلا گردد و مالش برود و فرزندانش بمیرد پس خداوند عالم زیاده از اول بدو مدد کند اگر کسی
داود را در خواب بیند دولت و قوت یابد و بهتر و بزرگ شود و زاهد گردد اگر کسی سلیمان را در خواب بیند
مملکت و بزرگی یابد قوله تعالی وحشر لسلیمن جنوده من الجن والانس اگر کسی موسی را در خواب بیند بر دشمن
ظفر یابد و همه را هلاک کند و از دشمنان ایمن گردد قوله تعالی ولا تخف انک من الامنین اگر کسی عیسی را در
خواب بیند مرد مبارک شود خدایتعالی او را فرزند کرامت فرماید پاک و پاکیزه و چیزها بیاموزد و خدا او را بمنفعت
رساند قوله تعالی وابرئ الاکمه والابرص اگر کسی عزیر را در خواب بیند پنج وجه بود سلطنت و دیانت
و رفعت و تربیت و شرف و عزت اگر بیند بر عرش بود یا بر عرش بیند خود را اگر بزلوار مهتر بود بهتر گردد
و بر دشمنان ظفر یابد و مراد خود را بالتمام یابد از آن چیزی که میترسد ایمن گردد و مالش بسیار شود اگر کسی
کرسی را در خواب بیند بتعبیر آن برد و آن نزد موجب است عدل و انصاف و علم و عزت و شرف و ولایت و نعمت
و پادشاهی و اگر کسی بر کرسی نشیند کارش بالا گیرد و عزیز دو جهان شود و خیر و برکت بسیار یابد و اگر
بیند از کرسی افتاد و کار او معزول گردد و اگر از افتادن کرسی بیمی برسد از مرتبه اش تنزل کند اگر
بیند بر کرسی نشست پادشاه شود اگر کسی بهشت را در خواب بیند که در بهشت شد بر همه مراد برسد و از غم
رهائی یابد و نعمت او فراخ گردد قوله تعالی ادخلوها بسلام امنین اگر بیند از بهشت طعام خورد بهره او خلاق
میسر آید و علم بلو میرسد اگر کسی غلمان را در خواب بیند که بگرد وی در آمدند و طواف او کردند در دنیا پادشاه
گردد قوله تعالی ویطوف علیهم ولدان مخلدون اگر بیند که در کوشکی از کوشکهای بهشت است دیانت
یابد و بر ترکی برسد اگر بیند او را از بهشت بیرون کردند یا خود از بهشت بیرون آید زوال دولت و نعمت گردد
قوله تعالی فاجهنما کانا فیه و اگر کسی دوزخ را در خواب بیند خشم خدا بر وی رسد در هیچ حال دیدن دوزخ خوب
نیست خداوند خواب را توبه باید کرد که بیم آن باشد که بدست ظالم گرفتار شود و اگر بیند که در دوزخ آواز او را

نیاز در عامل سلطان جابر شود و از وی رنج بیاید و رسد اگر بیند که از دوزخ بیرون آمد از غمها خلاص شود
اگر غل و قلاب در خواب بیند عقوبت بود اگر بیند که زبان او بگرفت غاصی کند کار است قوله تعالی فَاَصَابَتْهُ
کَاذِبَةٌ خَاطِئَةٌ اگر کسی صراط را در خواب بیند کار ضعیف بود یا راستی و خطر و فزع اگر بیند که راه راست
بود قوله تعالی وَیَهْدِیَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِیمًا اگر بیند از صراط گذشت بلا ها ایمن گردد اگر بیند بدوزخ
افتاد اندوه مال و عیال بیند سلطان جابر افتد یا اندر معصیت و بد گفتن و بکارهای بزرگ مبتلا
گردد اگر کسی میزان را در خواب بیند قاضی شهر بود عالم متوسط و راستی کردن اگر ترازوی راست بیند
قاضی شهر راستی کند و در میان عالم مشهور گردد و شاید علم نافع آموزد و سلطان آن ولایت عادل شود
اگر بیند ترازو پله بجای دیگر گشت شده قاضی آن شهر بجای دیگر میل کند قوله تعالی وَنَضَعُ الْمَوَازِینَ الْقِسْطَ
لِیَوْمِ الْقِیَامَةِ اگر کسی حساب را در خواب بیند که با وی حساب کنند تا خواهند که حساب بگیرند او را در زندگانی
فزع افتد اگر کسی قیامت را در خواب بیند خداوند خواب را کارها بالا گیرد و مراد مایش در زندگانی بر آید و اگر
عذاب باشد زن بگیرد و با نیکان صحبت بدارد و بمطلب خود برسد باب چهارم در دیدن آسمان
و آفتاب و ماه و ستارگان و ابر و رعد و برق و باران و باد و برف و ژاله اگر کسی آسمان را در خواب بیند
که بر آسمان برفت تا آسمان دید بزرگی رسد و روزی او فراخ گردد قوله تعالی وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِیًّا
اگر دید که بر آسمان شد و برنگشت دلیل مرگ بود اگر بیند از آسمان آنها از جمله تسبیح کنندگان گردد و مرتبه
نیک یابد اگر کسی لوح محفوظ در خواب بیند سخن وی گردد و دانا و عالم شود و بکتابها و علوم دین یابد
اگر کسی آفتاب را در خواب بیند بر وجه تعبیر کرده اند و سلطان و امام و رئیس و معدن کار و روشن بچه
زن و شوی اگر بیند که با آفتاب سجده کرد اگر سزاوار مملکت بود بیابد اگر او را فرزند ندارد
فرزندش شود اگر بیند که آفتاب را با غوش گرفت یا در کنار او افتاد چنین باشد که مرتبه اش زیاد گردد
اگر بیند که روشنایی می یافت کریم او بکسی زیان نداشت دلیل کند که پادشاه آن شهر عادل
و رعیت پرور گردد و مردمان بر احسان گذران کنند و بیننده این خواب را نصیبی باشد اگر بیند که آفتاب
تافت و گرم است مردمان ضرر رسد و برنج افتند و پادشاه بر رعیت ظلم کند اگر کسی نا مراد خواب
بیند بر شانزده وجه است زیر خلیفه ندیم مرد شریف غلام و کنیز و کار باطل و عالم مفسد
سلطان جابر و پدر و مادر و شوهر و پسر و دختر و دولت و عزت اگر کسی بیند که ماه او را بچه کرد یا
در کنار او یا در خانه او افتاد اگر آنکس لایق مهتری بود مهتر گردد اگر غریب است بوطن رسد اگر غریب

فصل
نماز
جمعه
منبر
جمعه
قیامت
باب چهارم
رنج
مرغ
رزق
حج
زن کرد

فرزند اگر فرزند طلب کند پسرش باشد و غلام بکنیز گیرد اگر ماهتاب بیند که می تابد خبر دهد آن ناحیه را عدل و داد بود
از جهت وزیر سلطان را حاجب باشد اگر کسی آفتاب و ماه را منکسف بیند بسیار بد باشد اگر بیند که آفتاب بر بام منازعه
افتاد البته دو بزرگ را منازعت و خصومت افتد اگر ستارگان را در خواب بیند او را چند وجه تعبیر کنند دوست و مقبل
و برادر و فرزند و پیوستگان سلطان و شاگردان فقها و خلیفه اگر بیند که ستارگان در کنار او یا در سر او
او را از آنکس را دولت و عزت و بزرگی رسد یا او را پسر آید اگر آن ستارها بشناسد هر چه بآن دلیل کند بیابد فعل
صاحب عدل سلطان بود و خادم سلطان بقول ابدال و ابن سیرین خازن ملک و یا وزیر شهر و یا وزیر عقلا
بود مشیر وزیر بود و قاضی و خازن ملک و ندیم بزرگ بود و تاج سپه سالار یا سر هنگ بزرگ بود زهره
زن بود یا مطرب یا مال بسیار یابد عطارد پیر و صاحب ملک بزرگ و ابرو وزیر باشد برج را بیند دبیر
آنکس علم نجوم را بیاموزد و از زمین مرتب بلند حمل اگر در خواب بیند غنیمت یابد اگر ثور را در خواب بیند کار او
بالا گیرد اگر جوزا را در خواب بیند علامت دار بود اگر سرطان را در خواب بیند صاحب دبیر بود اگر اسد را در خواب
بیند سلطان بزرگ شود اگر سنبله را در خواب بیند صاحب مال بود اگر میزان را در خواب بیند حاکم گردد اگر
عقرب را در خواب بیند صاحب مال گردد اما دشمنی پدید آید اگر قوس را در خواب بیند دشمن بود سپه سالار
بود اگر دلو را در خواب بیند محنت بود و اگر حوت را در خواب بیند خزینه دار شود اگر کسی ابر در خواب بیند
حکومت و ولایت و رحمت یابد اگر بیند که بر ابر نشسته یا بر دست گرفت یا خورد علم و حرف و حکمت یابد
اگر کسی برف در خواب بیند عذاب بود و بلا و قحطی و فتنه در آن شهر پیدا شود اگر ابر سیاه بیند فزع بود بر آنکه
دیده اگر ابر سفید بیند نرخها ارزان شود اگر کسی باران در خواب بیند تعبیرش همانست که مذکور شد
اگر باد و شعله بود فزع صعب تر بود اگر کسی باد را در خواب بیند بر دو انزده وجه است رحمت و برکت
و فریاد و رد بلا کشتن و قحط و بیماری و کفر و دروغ و لشکر اگر بیند که باران می بارد در آن شهر که دیده
ارزانی شود و بر آن باید رحمت نازل شود اگر بیند که بر محله میبارد و بر جای دیگر نمیبارد لشکر بآنجا آید
و ستم کند اگر باران آهسته میبارد رحمت بود و اگر شدید بارد لشکر سلطان بود اگر باد را در خواب بیند
منفعت است بشارت ولایت مال مرگ عذاب راحت و بیماری و شفا و اگر بیند بر باد نشسته پادشاهی
یابد و بزرگ و مقبل شود همه مراد برسد اگر بیند که باد خوش میآید اندوه او براحت و آسایش نعمت
و روزی شود و روزگار او فراخ شود اگر شدید و گرد و غبار بیند بعذاب افتد آفت و بیماری صعب کشد و با لشکر
ستمکار بود اگر باد درختان را بکند اندر آن ناحیه را آفت و فتنه و فساد که شود اگر کسی باد صبا را بیند

قوت و دولت و نصرت بر دشمنان بود اگر صباح را از یک بیند باعث ملال شدت اگر کسی باد شمال
را در خواب بیند راحت و صحت و برکت بود و خیر است و استراحت و نعمت بود اگر کسی باد و باران در
خواب بیند عیش و خوشی بود و روزی حلال اگر ژاله و برف آمیخته بیند بیماری و بلا باشد اگر بیند برف
و یخ جمع میکرد مال حلال جمع میکند و بعیش و خوشی بگذراند و منفعت یابد و عمرش دراز گردد اگر
کسی طوفان در خواب بیند و خاک و تاریکی و صاعقه و برف و ژاله بدین کردار بهم حال در آن شهر فتنه
و بلا و لشکر و قحط و مرگ مفاجات و طاعون و وبا اندر آن موضع پدید شود باب پنجم در بیان
دیدن دریا و رود عظیم و چاهها و کاریزها و چشمها و خندق و کشتی اگر کسی دریا را بخواب بیند سلطانی
و بزرگی بود و اگر بخواب بیند از دریا آب خورد مراد خود را دریابد و عزت و مرتبت یابد و دشمن قوی
گردد و اگر لایق سلطنت است سلطان شود و گرنه دولت و نعمت یابد اگر بیند از دریا چیزی یافت چون
جواهر و صدف و ماهی یا غسل کرده دلیل بر دولت و عزت است و اگر از دریا آب بخورد تلخ یا شور بود مهتر
بخیل شود اگر کسی رود عظیم بخواب بیند یا غسل کند و آن شیرین باشد کارش بالا گیرد و دولت و نعمت
یابد اگر غسل کرد از همه غمها آزاد شود اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر گناه است توبه کند اگر از آب برداشت
مال و دولت بدست آورد اگر کسی رود خانه خشک بخواب بیند بحج رود قوله تعالی اَلَمْ تَرَ اَنَّهُمْ فِی کُلِّ وَادٍ
یَهِیمُونَ اگر کسی جوی آب در خواب بیند مهتر یابد و بزرگ شود اگر بیند از جوی آب خورد مال یابد و عاقبت
کارش نیکو بالا و اگر از آن آب طهارت کرد از گناهان توبه باید شکر کرد اگر شناوری در خواب بیند تدبیر کارها
کردن بود اگر آب روشن بود مال حلال بود و اگر آب تیره و گل آلود باشد مال حرام بدست آورد و اگر
غرق شد در آب بخواب بیند به نعمت مرد و جهان غرق شود اگر کسی حوض در خواب بیند که از آب حوض خورد
مراد خود را دریابد و در دو جهان خوشحال فارغ البال شود و همت و منفعت یابد و عمل بزرگ بدست آورد
اگر از آب میترسد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیمار باشد شفا یابد قوله تعالی هٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ اگر
رود نیل را در خواب بیند یا شط یا فرات و غیره که بر آنها افتاد اجلش نزدیک است اگر غرق شد بنعمت غرق
شود اگر کشتی در خواب بیند نا سوار شود از غم نجات یابد و از محنت ایمن گردد قوله تعالی مِنَ الْغَمِّ فَاَنْجَیْنَا
وَاَصْحَابَ السَّفِینَةِ اگر کسی بیند از کشتی بیرون آمد از همه غمها و کدورتها بیرون آید و توانگر گردد و کارش
بالا گیرد و جاه و عزت او زیاده شود و اگر از مرتبه معزول شده باشد باز بمرتبه میرسد اگر درویش باشد
توانگر شود اگر چاه در خواب بیند بقول دانیال غالب گردد و توانگر شود قوله تعالی فی غیابت الجب اگر کسی

باب شمال

باب باران

باب برف

باب پنجم

رود عظیم

رود خشک

جوی

آب خوردن

حوض

رود نیل

کشتی